

برای در گذشت سید جلال طباطبایی که بکشنبه از میانمان رفت

دیگر کسی سراغ جلال‌ها را نمی‌گیرد

سه‌شنبه ۲۴ تیر ۱۳۹۹_ ۲۲ ذیقعدہ ۱۴۴۱_ ۱۴ جولای ۲۰۲۰

جدال دولت و بخش خصوصی در بازگشت ارزهای صادراتی وارد فاز جدیدی شد

هشدار ارزی دوباره به صادر کنندگان

مدلی | قیمت ارز این‌روزها در حالی به ۲۳هزار تومان رسیده و ارزش پول ملی را زیر سوال برده که جدال بخش خصوصی و دولت در زمینه بازگشت ارزهای صادراتی چند سالی می‌شود که کش آمده است.

هشدارها نسبت به ادامه بحران بیروت ادامه دارد

لبنان در مسیر سقوط

همدلی | دامنه بحران اقتصادی لبنان، همچنان در حال افزایش است. در شرایطی که لبنان این‌ روزها با دو مشکل بزرگ بدعی‌های خارجی و مشکلات اقتصادی ناشی از آن و همچنین مسائل مربوط به کنترل شیوع بیماری کرونا، دست و پنجه نرم می‌کنند...

عملیات نظامی گسترده ارتش یمن در عمق خاک عربستان

شیخون دوباره حوثی‌ها به آل سعود

همدلی | نیروهای ارتش وابسته به انصارالله یمن، روز گذشته از یک عملیات نظامی گسترده در عمق خاک عربستان خبر دادند. طبق گزارش‌ها در این عملیات، پایگاه‌های نظامی و مراکز حیاتی عربستان در «بپها»، «جیزان» و «حجران» با موشک‌های بالستیک و هواپیمای مسیریاب یمنی، مورد هدف قرار گرفتند.

هشدار

روزنامه

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سخنگوی شورای شهر تهران خبر داد

بازگشت محدودیت‌ها به ۱۰ شهر

در حالی‌که در تهران و برخی از شهرهای بزرگ کرونا فعالیت خود را نسبت به دو ماه پیش افزایش داده و شمار قربانیان آن به شدت بیشتر شده است، سخنگوی شورای شهر تهران با انتشار توییتی از اعمال «محدودیت‌های حداقلی» در تهران خبر داد؛ محدودیت‌هایی که به تهران منحصر نشده و برخی از شهرهای قرمز کشور را نیز دربر می‌گیرد. هفته قبل بود و در این وضعیت کم تقصیر ندارند.

گزارش همدلی از واکنش‌های جدید درباره پوشش زنان در کشور

روایت تازه از ضوابط حجاب



سخنگوی سپاه تشریح کرد: کرونایاب سپاه هنوز در حال راستی آزمایی است

ادامه سرمقاله

ای مه من، ای بت چین

... اما به قاعده‌ی مطلع که حکایت از محتوای غزل دارد، با همین متن پیش‌نویس منتشره می‌توان نکاتی را تا تنویر کافی در این باره بازگفت:

۱-نفت و نفت:

اگر قرار با اذهای زرد فروش نفت خام و مشتقات نفتی ما برای ربع قرن با یک قیمت پایدار ولو گاه کمتر از دوران گراف و گران بودن انرژی، بی‌بازگشت و بدون امکان توقف سازد، یک امکان کم‌نظیر برای توسعه و صیانت از زیست مردمان ایران زمین فراهم شده است. اقتصادی با بند ناف بریده از خام‌فروشی کمال مطلوب ایران است که در بیسان رهبری عالی نظام هم به تواتر بیان شده است. از آنجا که برای یک زیست و اقتصاد هفتاد سال زیسته در میان و میانه نفت‌فروشی بریدن یکباره از بول سهیل نفت دشوار و نفس گیر و حتی مخرب است و مهر بردل نشسته به روزگاران را نمی‌توان یکباره و یکسره به کناری نهاد. تجربه دشواری‌های افزون دوسال اخیر که بخشی از آن ناشی از نزدیک سفر رساندن صادرات نفت ایران از سوی دونالد ترامپ است، گویای این گزاره است که صلاح ملک در کم کردن وابستگی به نفت است، اما بریدن یکباره ممکن و مطلوب نیست.

واقعیت بازار انرژی حکایت از رقابت نفس گیر در آتیه بازار است. عرضه نفت خام در بازار به دلیل افزایش تولیدکنندگان جدید چون نیجریه و حتی ایالات متحده و سرسرمایه‌گذاری گسترده بر نفت شیل(نفت استحصالی از شکاف هیدرولیکی ماسه‌ها،که با تکنولوژی فعلی گرانتر از نفت رایج است) منابع عظیم نفت شیل در اختیار ایالات متحده، کانادا و چین است. با سرمایه‌گذاری بر روی پژوهش در حوزه نفت شیل احتمال توسعه فناوری و رسیدن به صرفه اقتصادی در فرآوری و فروش آن احتمال این‌که بازار انرژی با بی‌نیازی برخی کشورهای تولیدکننده به مازاد عرضه شدید و افت بی‌حساب قیمت مواجه شود. اگر محدودیت‌های ناعادلانه ایالات متحده بر صادرات نفت ایران برداشته شود، باز رسیدن به میزان تولید قیل و یاقبت بازارهای قبل در این وضعیت بازار کار دشواری است. پس یافتن یک مشتری ثابت زیست و پنج ساله ولو با تخفیف‌های معمول در بازار نفت می‌تواند یک اقدام سودمند درازمدت باشد که نوعی پیش‌دستی و صیانت از منابع انرژی کشور برای توسعه پایدار باشد.

۲-توان چینی:

چین را نمی‌توان دیگر یک اقتصاد نوظهور خواند، بلکه یک قدرت مستمر و غیر قابل انکار در عرصه جهانی است. ناسازگاری ماهیت تجدید نظرطلبانه و انقلابی جمهوری اسلامی ایران با نظم مورد نظر غرب با میانداری واشنگتن یک حقیقت مستدل و مستقر است. پس نمی‌توان در زمینه همکاری‌های تکنولوژیک و عمرانی روی همکاری‌های طولانی با کشورهای غربی حساب کرد. با منافع بودن کنار ایالات متحده و مرادوه تجاری با واشنگتن و هراس از پاهای چوبین خود بدون یانکی‌ها نهایت همکاری را به رگبار بهاری چون حضور توتال و پترزو در ایران تبدیل می‌کند؛ همکاری‌ای که ابرت می‌ماند و موجب سوخت سرمایه و هزینه اقتصاد روانی در داخل می‌شود. واقع‌بینانه نیست که گمان کنیم در واقعیت حاضر عرصه جهانی، چین به دنبال مواجهه با ایالات متحده بر سر ایران است، اما گسستگی تمدنی و توان اقتصادی چین با اروپایی‌ها قابل مقایسه نیست و این کشور با تشر واشنگتن بازار ایران را فرو نمی‌گذارد و دست ایالات متحده هم برای فشار بر چین چندان گشوده نیست. از یاد نباید برد که بخش بزرگی از صنایع و تکنولوژی چینی در کنترل دولت و شرکت‌های حکومتی است و بهانه عدم تمایل شرکت‌ها و بانک‌های خصوصی برای کار با ایران از نسوی چین مسموع نیست، چنان که برخی طرف‌های اروپایی برجام پس از خروج ترامپ از توافق، چنین بهانه پیشه کردند. سوار شدن بر خودروی چینی ولو با کیفیت کمتر ولی رو به بهبود بهتر از داشتن محصولات بنز و رنو بدون قطعات یدکی و با قیمت‌های بی‌افسار ناشی از آمدن و رفتن کمپانی‌های غربی است. این یک حقیقت است.

ادامه در صفحه ۵

هشدار

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران



احمد مازنی، نماینده مجلس دهم در گفت‌وگو با همدلی:

پیشنهاد من ائتلاف عقلای قوم حول گفت‌وگوی ملی است

سال ششم _ شماره ۱۴۶۰ _ صفحه ۸ _ قیمت ۲۰۰۰ تومان

سرمقاله

ای مه من، ای بت چین



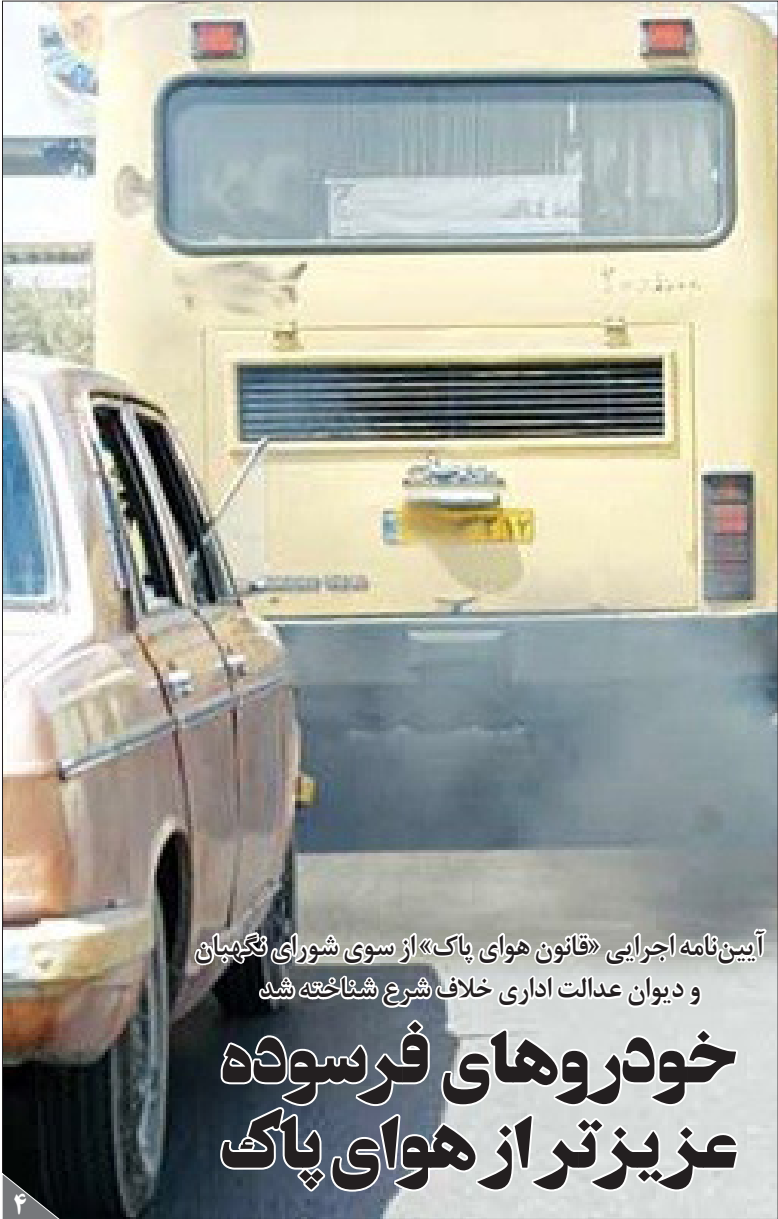
دکتر احسان اقبال سعید

روزنامه نگار

حکایت هنوز نامعلوم قرارداد یا توافق بیست‌وپنج ساله میان جمهوری اسلامی ایران وجمهوری خلق چین موجب گفت و نوشت‌های پرسوز و گاه بی‌گدار به آب زدن شده است. این‌که گفتار درباره نقشه راهی برای ربع مرادوه میان دو کشور انکار ناشدنی چنین برپایه غیض و غلظت‌های حمایت‌آمیز استوار است، نشان از همان حکایت سببری رگ‌های گردن و گوشه‌نشینی استدلال واستنباط تا هنوز است.

گروهی از گویندگان و قلم‌به‌دستان و میکروفن در برابر نهادگان از سر عناد یسا مخالفت با نظام هر فعل و کلامی از نسوی تهران را بی‌آن‌که در مفاد و محتوا دقتی میندول دارند، یکسره مذموم ومحکوم می‌دارند، خواه تلاش برای صدور نفت باشد، خواه تلاش برای تقویت بنیه دفاعی کشور. برآی این جماعت هر قرار و قراردادی از سر ناکوویی و برای دوام و بقاست. پس باید یکسره کوئید و فروریخت. در داخل هم رقبای سیاسی گاه چنان همیشه رقابت‌های میان خود را بالا می‌برند که به وادی هرچه رقیب کند بد است، فرو می‌غلتنند و از برای اشغال پاس‌تور گاه تا اشتعال اذهان در تهران، بی‌آنکه بدانند، می‌تازند.

بر گردیم به حکایت ایران وچین، مفاد را جز یک پیش‌نویس به تمامی نمی‌دانیم... ادامه در همین صفحه



آیین‌نامه اجرایی «قانون هوای پاک» از سوی شورای فکپییان

و دیوان عدالت اداری خلاف شرح شفافیت‌بخش شد

خودروهای فرسوده عزیزتر از هوای پاک

یادداشت ۲

خنده بر این درد بی‌درمان جفاست



خشایار کرمی بهمیناری

فعال اجتماعی

«خنده بر هرردی بی‌درمان دواست» هم مانند هر ضرب‌المثل و پندواره‌ای به میراث مانده از تاریخ و فرهنگ این سبزرمین لایه ریشهای در نحوه زیست و درجهان‌بودگی مردمانش داشته‌است که خندیدن را بر هر درد بی‌درمان روا می‌دانستند. محمدعلی جمالزاده نویسنده معاصر در کتاب «خلقیات ما ایرانیان» مجموعه‌ای از صفات مشترک ایرانی‌ها را به نقل از مورخان داخلی و نیز از نظرگاه مستشرقین خارجی به روایت کشیده است. در میان صفات مسودح و مذموم ایرانیان آنچه در نظر همه این نویسندگان داخلی و بینندگان خارجی برجسته می‌نموده همانا بی‌اعتنایی آنها به امورات دنیا تا لاقیدی در قبال زندگی جمعی بوده است که می‌توانست‌اند در زیر چکمه‌های خونین مغولان هم به رضایت و آرامش صوفیانه‌ای روزگار بگذرانند. آن‌چنان که فلسفه‌خوان‌ها و شارحان فلاسفه بزرگ برایمان گفته‌اند اغلب آنها با خنده میانه‌نداشته یا حداکثر به آن در کرانه و حاشیه تعقل پرداخته‌اند تا آنجا که کانت خنده را بدون هدف و غایت و ناسازگار با عقلانیت و متمایل به هیچ و پوچ توصیف کرده است. با این‌حال برگسون معتقد بوده‌اند در همان حال که عقلانی نیست، واجد عقلانیت است...» خنده، واکنشی به هوش و فهم و به آزادی، و به همان اندازه واکنشی است به امر غیرارادی و بی‌نظمی و اختلال. نوعی قدرت است و نوعی تنبیه.»

او می‌گفت:«خنده دلیلی کاملاً حیاتی و اجتماعی داشته و رفتاری جسمانی است که زندگی برای شخصیت‌میکم به کار می‌گیرد تا او را به رعایت هنجاری فرآخواند که در جامعه عینیت یافته است...»

از کلمات مغلق و مشکل‌فهم فیلسوفان و حتی پزشکان و روانکوان که بگذریم تا آنجا که تاریخ مکتوب شهادت می‌دهد طنز گمتن و خندیدن همواره ابزاری برای اصلاح فرد یا گروه و حتی حاکمان و سلاطین بوده است. جایی که عقلانیت نامتعطف‌ره به جایی نمی‌برده، یا در برابر دیوار قدرت و استبداد متوقف می‌شده این طنزان بوده‌اند که منادی خواست ملت شده و در لابه‌لای خنده‌هایی که بر لبان حاکم می‌نشانده‌اند او را به اصلاح خویش وادار می‌کرده‌اند، از این‌رو آنان را «تلخک» می‌نامیدند؛ خالق خنده‌های تلخ و به همین سبب بسیاری از آنها جان خود را هم در این کار در باخته یا به زندان می‌افتاده‌اند. در دنیای جدید هم بازیگران کمدی اصیل بار تلخک‌ها را به دوش کشیده‌اند. اما حاکمان مستبد جدید در این جهان پیچیده خوب دریافته‌اند که با تلخک‌های معاصر خود چه‌کنند. آنها دیگر تلخک‌ها را نمی‌کشند و حتی به زندان هم نمی‌اندازند. به روایت کارترین فروزه در جایی مانند برمه «آنها اجازه داشتند تا در گاراژ خانه‌شان و فقط برای غربی‌ها نمایش اجرا کنند در واقع، به آنها اجازه امرار معاش می‌دادند، اما نمی‌گذاشتند پیش چشم شهروندان برمه‌ای، یعنی دقیقاً آنجایی که اهمیت داشت، ساختارهای قدرت نظام را به چالش بکشند...» او البته دیگر راه‌های تخریب کمدی و تضعیف قدرت انتقادی آن‌ها هم نشان می‌دهد:«ما کمدی را ممنوع نمی‌کنیم، بلکه آن را به حوزه سرگرمی حواله می‌دهیم و اجازه نمی‌دهیم که جهان سیاست، تجارت و آموزش را برهم بزند. دستگاه تلویزیون و نمایش کمدی مناسب اتاق انتظارند و نه دفتر هیئت‌مدیره. ما با حواله کردن کمدی به حوزه سرگرمی، تأثیر ویران‌گر آن را نیز تحت کنترل درمی‌آوریم.»

اینجا هم‌اگر نیک بنگری داستان همان است. دستگاه عرض و طویل و برزرق و برق رسانه‌ای به نام ملی و به واقع حکومتی ما هم پر از برنامه‌های طنز و کمدی است که با انتقادهای کم‌مایه و بی‌خطر برای سازندگان آنها، مردمان را سرگرم می‌کند. این برنامه‌های هدفمند، نمایشی است از آزادی بیان مشکلات. هرچه در این طنزهای مبتذل گور کنی جهت آن را جز به نسوی «مجلس» و «پولت» یعنی همان دونهاد انتخابی نمی‌بینی. دونهادی که در لابه‌لای دیگر نهادهای انتصابی و فارغ از نظارت ملت، خود بی‌خاصیت شده کار کردهای واقعی خود را از دست داده‌اند. در کدام‌یک از این برنامه‌های انرژی از انتقاد به مراجع و روحانیون، و نهادهای انتصابی دور از دسترس نظارت دیده می‌شود؟ این همه فسادی که در این نمایش‌ها از آن انتقاد می‌شود مگر همه در نهادهای انتخابی است و نهادهای دیگر از آن بی‌بهره‌اند؟! این غارتگران سرمایه‌های ملی مگر از همین چند نهاد انتخابی سر برآورده‌اند؟ در این چهل سال کدام برنامه از میزان مدیری‌ها، رامید جوان‌ها و دیگر شمش‌های تلویزیون به اصلاح گوشه‌ای از مفاسد منجر شده‌است؟

یادداشت ۱

مجلس یازدهم و بندهایی که برپای خود دارد



مهدی روزبهانی

روزنامه‌نگار

مجلس اصول‌گرای یازدهم اهداف مختلفی دارد که یکی از آن‌ها مخالفت با دولت و مقابله با انگیزه‌های مردمی است که دولت‌های یازدهم ودوازدهم را روی کار آوردند. اما این مجلس به دلایل مختلف توانایی زمین‌گیر کردن دولت و پیاده‌سازی برنامه‌هایش در مخالفت با انگیزه‌های مردمی را ندارد. در راس این علت‌ها هم آشفتنگی حاکم بر این دوره از مجلس است. یکی از این آشفتنگی‌ها رقابت‌ها و کینه‌های سیاسی حل نشده میان خود آن‌هاست. گروه‌های مختلفی در این مجلس فعال هستند که به هیچ وجه یکدیگر را تحمل نمی‌کنند. در موضوعات مختلف ثابت کرده‌اند که حاضر به همکاری با یکدیگر نیستند. در مواقعی هم که موضوع مهمی پیش آمده، تنها یک حکم محکم خارج از مجلس به دعوای آنان خاتمه داده است. یک طرف خنده را بدون هدف و همواره تلاش می‌کنند که برای رسیدن به قدرت بیشتر اصول‌گرایانی هستند که به عنوان طیف سنتی شناخته می‌شوند؛ یک طرف طرفداران رئیس جمهوری اسبق ایستاده‌اند و در سوئی دیگر هم مردیان و شاگردان ای‌تالله مصباح رئیس موسسه امام خمینی قرار گرفته‌اند. اختلافات آنان هر چند خیلی مشخص نیست بر سر چه چیزی است، اما مسلم است که در به دست گرفتن قدرت هر چه بیشتر نگاه خشم‌آلودی به یکدیگر دارند و همواره تلاش می‌کنند که برای رسیدن به قدرت بیشتر دیگری را کامل کنار بزنند. این همان راهبردی است که برای خودی و غیر خودی به کار می‌گیرند. اما این موضوع تنها ریشه آشفتنگی در مجلس یازدهم نیست. در عین حال که بخشی از مجلس نگاهی به‌شدت سیاسی و باندی دارد، عده‌ای هم از نمایندگان هستند که فارغ از هر گونه بحث سیاسی منافع خودشان و حامیان انتخاباتی‌شان را دنبال می‌کنند. این عده که در همه ادوار در مجلس حضور پر رنگی داشته‌اند در دوره‌های منتهی به مجلس یازدهم قدرت‌مندتر شده‌اند و با همه جناح‌ها و باندها هم سر سازگاری دارند. خیلی پرایشان فرقی نمی‌کند که موضوع مورد بحث به نفع کدام جریان سیاسی یا کدام بخش از کشور تمام می‌شود. مهم این است که بتوانند از آن برای خود کسب‌های بپوزند. در کنار آنان هم هستند نمایندگان که غیر از حوزه انتخابیه به موضوع دیگری فکر نمی‌کنند. البته نه این‌که در فکر مشکلات حوزه انتخابیه باشند، بلکه آن قدر درگیر کشمکش و رقابت سیاسی و اعمال نفوذ قدرت در حوزه انتخابیه خود هستند که تمام فعالیت‌های خود در مجلس را بر اساس حوادث حوزه انتخابیه خود تنظیم می‌کنند. در همین راستا هم همواره تلاش دارند به دوره بعد مجلس نگاه کنند تا به این ترتیب دستت به اقدامی نزنند که مورد حساسیت شورای نگهبان قرار گیرند و رد صلاحیت شوند و ضمن این‌که برای دوره بعد بتوانند آزاری هم برای خود جمع کنند. به این ترتیب می‌توان خلاصه گفت که این‌ها تنهاهدف‌شان افزایش مدت سکونت در ساختمان بهارستان است. در بین این دسته‌های گوناگون از نمایندگان مجلس، جمعی هستند که صادقانه همچنان به آرمان مخالفت با دولت روحانی و اصلاحات وفادارند و هر کجا هر حرف و سخنی علیه دولت ببینند با آغوش باز به استقبال آن می‌روند، فرقی هم نمی‌کند که به نفع‌شان باشد یا نباشد. با در نظر گرفتن این تنوع که گاه به تضاد می‌انجامد، می‌توان گفت که پیاده کردن برنامه‌های از پیش تعیین شده خیلی کار موفقی نباشد، چه برسد به این‌که بخواهند دولتی را زمین‌گیر کنند. به هر روی بر اساس آنچه از ساختار انسانی مجلس یازدهم گشته شد به نظر می‌رسد که این مجلس نمی‌تواند در سال‌ها و ماه‌های آینده چندان قدرت تأثیر‌گذاری باشد و احتمالاً در آینده هم جز هیاهوی سیاسی، شعاع و تحركات رسانه‌ای اتفاق ندان‌گیری از آنان در صحن مجلس شورای اسلامی مشاهده نشود.